



وظایف فقهی والدین در « تربیت سیاسی » فرزندان با تأکید بر پرورش روحیه دفاع از مظلوم

گلثوم احمدی*

حلیمه حیدری**

چکیده

یکی از انواع تربیت، تربیت سیاسی می‌باشد، و والدین به عنوان نخستین مربیان تربیت فرزند، در کنار اقسام دیگر تربیت، باید توجه ویژه‌ای در قسمت تربیت سیاسی فرزندان خود داشته باشند. نیز حمایت و دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان جامعه را که از شاخصه‌های مهم تربیت سیاسی می‌باشد به آنها آموزش دهند، زیرا دفاع از مظلوم یک امر فطری می‌باشد که در وجود هر انسانی موجود است، و از نظر عقل که زیبایی و زشتی‌ها را درک می‌کند، شکی نیست که یاری رساندن به مظلوم و جلوگیری از ظلم را امر پسندیده می‌داند. چنانچه ظلم کردن یا مظلوم واقع شدن در همه ادیان امر نکوهیده می‌باشد، در اسلام نیز این امر مورد نکوهش زیادی واقع شده و در مقابل آن امر به دفاع از حقوق مظلوم نموده است. خداوند متعال در آیات فراوانی به این مهم اشاره فرموده، این پژوهش براساس منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی درصدد بررسی وظایف فقهی والدین در تربیت سیاسی فرزندان با تأکید بر پرورش روحیه دفاع از مظلوم می‌باشد. نتایج حاصل شده از تحقیق ذیل با توجه به آیات و روایات حمایت از مظلوم را تکلیفی بر عهده مؤمنان افراد قدرتمند جامعه دانسته و ازگردن نهادن در مقابل آن نهی فرموده است. لذا والدین که مسؤلیت تربیت فرزندان به عهده آنها است واجب است که در قسمت تربیت سیاسی فرزندان این امر روحیه دفاع از مظلوم را تقویت کنند زیرا والدین در نتیجه اعمال با آن‌ها شریک‌اند.

کلید واژه‌ها: تربیت، تربیت سیاسی، فقه امامیه، والدین، دفاع از مظلوم.

* کارشناسی ارشد فقه خانواده جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان

** دکتری تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان

تربیت یکی از اساسی‌ترین مباحثی است که در جوامع امروزی مطرح است. تربیت به عنوان ضرورت امروز و دیروز بشردر گذر زمان به اشکال مختلفی مطرح شده است، مانند تربیت اخلاقی، تربیت عقلی، تربیت سیاسی، تربیت اجتماعی، تربیت معنوی و تربیت جنسی، که تحقیق حاضر از آنجا که تربیت سیاسی با رویکرد دفاع از مظلوم را در جوامع فعلی از ضروریات می‌داند به آن می‌پردازد، زیرا منشأ همه بدی‌ها و جرایم عدم تربیت و آگاهی درست از مسائل می‌باشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در جهان امروز ظلم و بیداد به اوج خود رسیده و هر سو لبریز از ناله‌های مظلومان شده است، بنابراین در اینجا به بحث فقهی وظایف سیاسی والدین علی‌الخصوص روحیه دفاع از مظلوم پرداخته می‌شود تا والدین در این زمینه هوشیار باشند و با تربیت درست فرزندان زمینه ظلم‌ستیزی در جامعه را افزایش دهند.

قابل ذکر است قبل از این نوشتار نیز در زمینه تربیت و تربیت سیاسی کودک و وظایف والدین نسبت به آن، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته شده که در اینجا به عنوان پیشینه تحقیق به چند تا از آن اشاره می‌شود:

۱. «تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام»، نوشته رضا عیسی‌پور (۱۳۸۷)؛ در این مقاله، نویسنده به تبیین اهمیت، ضرورت و جایگاه تربیت سیاسی، انواع تربیت سیاسی و روش‌های آن، عوامل مؤثر بر تربیت سیاسی یا منابع و راه‌های تربیت سیاسی پرداخته است.
۲. «بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه»، کار جمعی پژوهشگران واحد بهبهان؛ در این تحقیق به اهداف تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه، اصول تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه پرداخته‌اند، که به مجموع فرمان‌ها و دستورالعمل‌های سیاسی خطبه‌ها، نامه‌ها و



حکمت‌ها در این زمینه و نیز نظرات برخی از متفکران در رابطه با اصل روش تربیتی و تعریف آن را بیان نموده‌اند.

۳. «بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی»؛ نویسندگان این مقاله (محمد داوودی و مهدی فاضلی دهکردی) در این پژوهش به بررسی هدف و تأثیر آن بر تعلیم و تربیت، مفهوم «تربیت»، تربیت سیاسی و اهمیت آن، اهداف تعلیم و تربیت سیاسی پرداخته‌اند.

یافته‌های این تحقیق هدف غایی تربیت اسلامی را قرب الی الله می‌داند و تربیت سیاسی تنها زمانی حاصل می‌شود که صفات خداوند در انسان اعمالش ظاهر گردد. همچنین رویکرد قرآن به سیاست و حکومت را نگاه تربیتی دانسته است که بر تحول و تعالی درونی انسان مبتنی است.

در مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده است، به تربیت سیاسی، وظایف والدین در تربیت سیاسی، تربیت سیاسی از منظر قرآن و... پرداخته شده است، اما نوشتار حاضر با دید جدیدی به این مسئله می‌پردازد، زیرا وظایف والدین در تربیت سیاسی با تأکید بر روحیه دفاع از مظلوم از نگاه فقه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. ۱. فقه:

«فقه» در لغت به معنای دانستن و فهمیدن می‌باشد؛ راغب آن را در مفردات به معنی پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب بیان کرده است و در اصطلاح فقیهان و اندیشمندان دین، فقه دانستن احکام شریعت از راه استدلال و برهان می‌باشد.





۲.۱. تربیت:

در زبان فارسی به معانی پروردن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۵۰؛ شاهرودی، ۱۴۲۶: ۴۳۷)

در زبان عربی واژه «التربیه»، مصدر باب تفعیل است. این واژه می‌تواند با دو ریشه «ربب» و «ربو» در ارتباط باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۴۰؛ ابن فارس، ۱۳۵۸: ۲/۴۸۳؛ ابن منظور، ۱۳۷۵: ۱۲۶/۵)

۳.۱. سیاست:

از ریشه «ساس» گرفته شده و در ادبیات یونانی، معادل شرع و جامعه است و به معانی دیگر از جمله ریاست، سرپرستی، فرمان، امر و نهی، و تدبیر امور نیز می‌باشد (شاطری، ۱۳۹۲: ۳۳)

۴.۱. تربیت سیاسی

دانش‌واژه «تربیت سیاسی» مرکب از دو واژه تربیت و سیاست و مبتنی بر تعلیم پذیری نوع انسان است. (داودی، ۱۳۹۴: ۱۱)

تعریف تربیت سیاسی از منظر اندیشمندان دینی عبارت است از:

تلاش فکری و عملی برای ایجاد شناخت و بیش‌های سیاسی در مردم و بالا بردن توان تجربه و تحلیل و تفکر و اندیشه عمیق برای جدا سازی حق از باطل و انتخاب آگاهانه و آزادانه برای حضور در عرصه‌های فعالیت‌های سیاسی است. (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۶۴)

۱. ۵. مظلوم:

به معنای ستم‌دیده، تعدی شده، ستم‌کش، کسی که مورد بیداد‌گری قرار گرفته باشد. تعریف ظلم: «ظلم» به معنای ستم کردن که همان نقص کردن حق کسی است و ظالم به معنای ستم‌کننده است. (ابن منظور، همان: ۸۵۲/۱۰ و ۱۵۶۳۲)

۱. ۶. دفاع:

دفاع، یعنی از کسی حمایت کردن، بدی و آزاری را از خود و دیگری دور کردن می‌باشد. (همان: ۶۰۴)

«تربیت سیاسی» طبق مشهورترین تعریف عبارت است از: «آموزش ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی به وسیله‌ی ابزارهای تربیت نظیر خانواده، مدرسه، گروه‌ها، دوستان و وسایل ارتباط جمعی». و آن فرایندی است که در ضمن آن فرهنگ سیاسی جامعه به نسل بعد منتقل می‌شود. تربیت سیاسی به عنوان یک مفهوم با مفاهیم دیگری نظیر مشروعیت، هویت و وفاداری به نظام سیاسی مرتبط است و هدف از آن ایجاد وضعیت آرامش و عدم بحران در رابطه‌ی میان مردم و دولت است.

۲. ضرورت تربیت سیاسی

والدین در مقابل فرزندان خود دارای وظایف و مسئولیت‌هایی هستند، که برخی از آن‌ها به عهده مادر می‌باشد، مثل شیردادن، مواظبت کردن و... و برخی دیگر به عهده پدر می‌باشد مثل سرپرستی، نفقه و... و برخی حقوق برای هر دوی آن‌ها به صورت مشترک بار می‌شود، مانند تربیت و نگهداری کودک که یکی از امور مهم و حیاتی حقوق فرزند می‌باشد، و این مهم آثار و عواقب فراوانی دنیوی و اخروی را در پی دارد.





اگر والدین فرزند خود را صالح به بار بیاورند در اعمال خیر آنها شریک می‌باشند و همچنین برعکس آن اگر در زمینه تربیت فرزندان خویش کوتاهی نمایند در گناه و عقاب آن با فرزند خویش شریکند، نظیر مضمون این آیه «لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يَضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ». (نحل: ۲۵)

آن‌ها باید روز قیامت، هم بار گناهان خود را به طور کامل بر دوش کشند و هم سهمی از گناهان کسانی که به خاطر جهل، گمراهشان می‌سازند! بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می‌کشند. (نحل: ۲۵)

و همچنین روایات فراوانی که در این زمینه نقل شده است، از جمله روایتی از امام باقر علیه السلام که می‌فرمایند:

أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ سَنَّ سُنَّةَ هُدَىٰ كَانَ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ سَنَّ سُنَّةَ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ.

بنده‌ای از بندگان خدا که سنت نیکو و شایسته‌ای از خود به جا گذارد پاداشش با پاداش کسی که به آن سنت عمل می‌کند برابر است، بی آنکه از پاداش عمل‌کننده به آن چیزی کم شود و هر بنده‌ای از بندگان خدا که کار زشت و نکوهیده‌ای را پایه گذاری کند، گناهش همان گناه کسی است که به آن بدعت عمل می‌کند، بی آنکه از بار گناه یکی از آنها کم گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۲۵۸)

بنابراین اگر سهل انگاری والدین باعث به بیراهه رفتن فرزند شود، در ارتکاب گناه و اعمال بد فرزندان خود سهیم خواهند بود.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «مَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ، لَا يَنْقُصُ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا». (نحل: ۲۵)

هر کس (مردم را) به سوی کار بدی دعوت کند، همسان گناهان کسانی که از او پیروی می‌کنند، گنه کار است و از گناهان آنان چیزی نمی‌کاهد. [و همین طور بالعکس] (مازندرانی، ۱۳۴۲: ۶۶/۲)

پس این گونه نتیجه می‌گیریم که اگر والدین باعث گمراهی فرزند خویش شوند، در گناه او شریک خواهند بود، بنابراین تربیت درست و اسلامی فرزند وظیفه شرعی والدین و از مهم‌ترین حقوق آن‌ها است.

هر آن کسی که در این دنیا باعث هدایت دیگران شده باشد مثلاً انسان‌ها را ارشاد نموده است و آنها به سبب ارشاد او هدایت یافته‌اند چنین شخصی با اعمال نیک هدایت یافته‌ها شریک می‌باشد، حال پدر باشد و یا هر شخص دیگری باشد، همچنین اگر شخصی باعث گمراهی افراد شود و اسباب گمراهی را برای بندگان الله به روشهای مختلفی فراهم سازد چنین شخصی با گناهان این افراد شریک خواهد بود.

والدین باید در کنار تربیت عاطفی، جسمی و روحی، عقلی و اجتماعی... دقت فراوانی در زمینه تربیت سیاسی فرزندان خویش به خرج دهند، چنانچه بزرگان و اندیشمندان دینی تأکید فراوانی در این زمینه نموده و تربیت سیاسی را یکی از مواد و عناصر لازمی در نظام آموزشی تلقی کرده‌اند. (همان: ۵۴)

خانواده اولین و مهم‌ترین اثر را بر شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی فرزند در دوران کودکی می‌گذارد، همچنین امام علی علیه السلام در سفارش به فرزند بزرگوار خود امام حسن علیه السلام فرمودند:

دل نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، آن را می‌پذیرد. از این رو، من پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت مشغول شود، به تأدیب و تربیت تو شتافتم. (ری شهری، ۱۳۹۵: ۸/۲۹۸)

پدر و مادر علاوه بر وظایفی دیگری که در قبال فرزندان خود دارند از مهم‌ترین آنها تربیت صحیح در بخش‌های مختلف تربیت از جمله تربیت سیاسی و روحیه دفاع از مظلوم که زیر



مجموعه آن (تربیت سیاسی) می‌باشد، بکوشند تا فرزندان سالم و مفید تقدیم جامعه خویش کنند، که در رفاه و آسایش زندگی افراد جامعه مؤثر باشند و در مقابل ظلم و بیدادگری در حق خود و دیگران ایستادگی بخرج دهند.

همچنین دفاع از مظلوم طبق آیات و روایات یکی از وظایف شرعی هر فرد مسلمان می‌باشد. و خداوند متعال در آیات متعدد سرانجام ظالمین را هلاکت قرار داده است و در مقابل آن تأکید بر ظلم و استکبار ستیزی نموده است:

«وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ». (یونس: ۱۳)

ما امت‌های پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم، در حالی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند.

«وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يُبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ». (فتح: ۲۹)

کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربان‌اند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است.

۳. تربیت سیاسی و روش‌های آن

اندیشمندان اسلامی به طور کلی تربیت را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱. تربیت الهی: این نوع تربیت با عناوینی چون تربیت اسلامی، تربیت اخلاقی، تربیت صحیح، تربیت قرآنی، تربیت معنوی و... معرفی می‌شود.
۲. تربیت شیطانی: در این نوع تربیت هم با عنوان‌های دیگری نظیر تربیت انحرافی، تربیت غلیظ، تربیت فاسد، و... مواجه هستیم.

تربیت الهی، تربیتی را گویند که با ویژگی هایی همچون خدا خواهی، انسان دوستی، فرهنگ استقلالی، نفی استعمار، مسؤولیت پذیری و... قابل شناسایی می باشد.

تربیت شیطانی: تربیتی است که با خصلت هایی مانند خود خواهی، انحصارطلبی، جاه طلبی، حب مال، حب منصب، بندگی نفس اماره، قابل تشخیص است.

طبق نظر برخی از فرهیختگان دینی اگر در یک کشوری سرنوشت آن کشور را منحرفین و معوجین در دست بگیرند، آن کشور رو به انحطاط و ویرانی می رود، ولی اگر فضلا و دانشمندانی که با فضیلت انسانی می باشند، سر رشته دار یک کشور شوند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۹/۱) فضیلت و پیشرفت و ترقی در آن کشور افزایش خواهد یافت.

بدون شک هر دو حالتی بیان شد بستگی به نوع تربیت انسان دارد، اینکه تربیت انسان از کدام یکی از دو نوعی که بیان گردید باشد، و همچنان ناگفته نماند که تربیت فرزند ربط چشمگیری به والدین دارد از این نظر که اول باید خود والدین از ویژگی ها و تربیت صحیح برخوردار باشند، تا بتوانند فرزندان نیکو تقدیم جامعه بدهند.

تا جامعه را از ظلم و استبداد در حد توان خویش نجات دهند و به داد ناله های مظلومان برسند.

در تقسیم دیگر روش های تربیت سیاسی انواع زیر می باشد:

۱. توجه به رشد عقلانی؛

۲. روش الگویی؛

۳. تشویق و تنبیه؛

۴. نشان دادن لغزشگاه ها؛

۵. خدا محوری؛

۶. انسان دوستی و... .

که از این میان به تعریف و تفصیل روش خدا محوری و انسان دوستی می پردازیم.



یکی از ویژگی‌های صحیح تربیت، خدا محوری و خدا خواه بودن انسان می‌باشد؛ یعنی اینکه اگر انسان از راه عبودیت خدا در جامعه وارد شود یا به امور جامعه بپردازد، همه کارهای الهی خواهد بود. در این صورت هم خود آن شخص و هم آن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، هردو رستگار خواهند شد، زیرا «اگر انسان فقط بندگی خدا را بپذیرد و از عبودیت بقیه چیزها یا بقیه اشخاص احتراز کند، و با رویکرد خدا محوری در دنیا وارد شود، هرکاری که انجام بدهد، عبادت خواهد بود، به دلیل اینکه مبدأ عبودیت و بندگی خداست». (همان: ۳۷)

در اهمیت این شاخصه از تربیت، هر چه بیشتر تأمل و دقت انجام بگیرد، خوب‌تر آن را درک خواهیم کرد. بویژه وقتی به «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» (همان) دقت کنیم، این طور می‌فهمیم که بار رسالت به پیامبر ﷺ به خاطر عبودیت و بندگی ایشان بود، که اول این ویژگی ایشان ثابت شده، و بعد این بار سنگین و مقام والا نصیبشان گردید، زیرا انسانی که ایمان نداشته و عبد خدا نباشد در بند هیچ قاعده و قانونی نخواهد بود و با هر روشی که نفس اماره او بخواهد باخود، خانواده، جامعه و... رفتار خواهد کرد، زیرا این شخص هیچ گونه دغدغه‌مندی نسبت به اینکه ظلم نکند یا جلوی ظلم را بگیرد نخواهد داشت، چون اصل خدا باوری و عبودیت در او وجود ندارد.

تربیت باید بر اساس انسان دوستی باشد نه خود خواهی؛ آنهایی که تربیت به جای تربیت صحیح و الهی تربیت شیطانی شده‌اند، اشخاصی تمامیت خواه، انحصارطلب و خودخواهی می‌باشند، و خود اینها منشأ مفاسد خواهند بود. (همان: ۹۳)

طبق فرموده بزرگان دین، «کسانی که تحت فرمان‌های آسمانی نیستند تربیت انسانی ندارند. این گونه افراد غیر از خود چیزی را نمی‌بینند و همه منافع را برای خودشان خواستارند». (همان: ۱۱/۱۴۳)

بنابراین می‌توان گفت انسان‌هایی که ای‌نگونه تربیت شده‌اند، در جامعه هم به عنوان افراد زورگو و ظالم، وارد خواهند شد، اما اگر دارای تربیت درست و الهی باشند، منافع دیگران را

مانند منافع خود دانسته و دارای حس انسان دوستی می‌باشد، و چنین فردی همیشه دغدغه‌مند خدمت به خلق الله و به دنبال رفع نیازهای آنها می‌باشد.

بر این اساس، خانواده، محیط، مدرسه، تمام اینها در برابر تربیت سیاسی کودکان مسئول‌اند، بالاخص خانواده که بحث ما هم در این تحقیق در مورد تربیت خانواده می‌باشد.

خانواده به عنوان اولین مربیان کودک، باید از هر جهت در تلاش تربیت صحیح و الهی فرزندان خود باشند، همان طور که در بالا ذکر شد به ویژه تربیت سیاسی فرزند، که اول باید خدا محوری و عبودیت را به فرزندان خود آموزش بدهند، زیرا اگر این بخش را به خوبی به فرزند بیاموزند، در بخش‌های بعدی تربیت نتیجه زودتری به دست خواهند آورد، چون به آن اصل فرزند رسیده که همه چیز را از آن خدا می‌داند، پس در نتیجه این فرد از کارهای ناشایست از قبیل ظلم کردن، رذایل اخلاقی، بی‌مسئولیتی نسبت به محیط خانواده و جامعه، و... دوری خواهد کرد و بالعکس آن یار مظلوم، انسان مفید در خانواده و جامعه، دارای اخلاق حسنه، مسئولیت‌پذیر و... خواهد بود.

۴. دلایل قرآنی و روایی دفاع از مظلوم

در نصوص دینی (کتاب و سنت) دلایل محکمی موجود است که یاری رساندن به مظلوم را یک امر واجب والزامی می‌داند که با این وجود نمی‌توان و نباید آن را یک توصیه اخلاقی دانست.

با توجه به آیات قرآن و روایاتی که در این زمینه از معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده، بیانگر این است که حتی جنگیدن و کشته دادن برای نجات مظلومانی که فریاد استغاثه دارند واجب بوده و ترک این مهم را مورد نکوهش قرار داده‌اند. مانند:





«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا». (نساء: ۷۵)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده، و از جانب خود، یار و یاور برای ما تعیین فرما».

همچنین روایات به دست آمده در این زمینه از جمله فرمایش رسول اکرم ﷺ که فرمودند: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ». (کلینی، ۱۴۱۱: ۲/۱۶۴)

هر کس ندای استغاثه و طلب دیگری را بشنود و به او پاسخ ندهد، مسلمان نیست.

در فقه امامیه، نیز با توجه به همین دلایل و نتایج به دست آمده از آن، کمک و یاری رساندن به مظلومان و مستضعفان را یک تکلیف شرعی و واجب الهی شمرده است و علمای شیعه در فتاوی و کتب خویش آن را بیان داشته‌اند.

به طور مثال، آیت الله جواد تبریزی بخواهد، با استناد به همین روایت و امثال این، دفاع از دیگران را واجب خوانده است. (اسس الحدود التعزیرات، ص ۴۶۶)

ایشان در این مورد می‌فرمایند: «اگر آبروی کسی مورد تعرض قرار گیرد و او کمک بخواهد، دفا از وی واجب است».

قابل ذکر است که این حکم در باب فقه دارای سابقه می‌باشد مانند فتوای کاشف الغطاء که در احاطه بر فقه، شخصیتی کم نظیر است، چنین آمده است: «واعانة المظلوم على الظلم عنه فيما يتعلق بالاعراض و النفوس واجبة على المكلفين». (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸: ۴/۳۶۷)

و نیز صاحب جواهر که در قله فقاهاست تشیع قرار دارد، حمایت از مظلوم را در صورت تمکن واجب می‌داند: «ونصرة المظلوم واجبة مع التمكن». (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۱/۳۱۰)

۵. قباحت ظلم

ظلم که در نقطه مقابل عدالت قرار دارد از اسباب از هم پاشیدن جامعه به حساب می‌آید و از معدود مسائلی است که هر عاقلی به ناشایست بودن آن آگاهی دارد و رفع آن از مهمترین دل مشغولی‌های جوامع بوده و نهادینه کردن راهکاری جهت نفی ظلم و ستم که اسباب آرامش و امنیت را در جامعه فراهم می‌آورد، از آرزوهای دیرین بشریت است.

بزرگان و اندیشمندان شیعه قباحت ظلم را به عقل مستقل و بدیهی مستند کرده و در حوزه فقه نیز قبح ظلم به موازات آن بر اساس عقل بوده و لذا در فقه شیعه از ظلم به عنوان فعل حرام یاد شده است. (امام خمینی، ۱۴۱۰: ۱/۷۳)

ناپسند بودن ظلم در حوزه اجتماعی و سیاسی به گونه‌ای است که در روایات، بقای دولت با وجود کفر و الحاد ممکن دانسته شده ولی با وجود ظلم و ستم غیر ممکن معرفی شده است: «فإنَّ الملك یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۷۲)

ظلم، گستره و مصادیق بسیاری داشته و جدا از موارد ظلم که می‌تواند در گستره امور فردی جلوه گر شود، ظلم و ستم در حوزه اجتماع و سیاست نیز مصادیق بسیاری داشته و جلوه‌های متعددی می‌یابد، که به سه بخش عمده «نپذیرفتن ظلم»، «ظلم ستیزی» و «دفاع از مظلوم» به اختصار مورد اشاره قرار دهد:

۵. ۱. نپذیرفتن ظلم

در منطق فقه شیعه همان طور که انجام ظلم و ستم، حرام بوده و مورد نکوهش قرار می‌گیرد، پذیرش ظلم نیز به همان نسبت امری نکوهیده بوده و حرام محسوب می‌شود. این امر برآمده از وحی الهی و آیات شریفه قرآن است که می‌فرماید: «لَا تَطْلِمُونَ وَلَا تُظَلَّمُونَ؛ ظلم نکنید و مورد ظلم واقع نشوید». (بقره: ۲۷۹)





سیاست‌مداران اسلامی در عبارات بسیار و در موارد زیاد به ملازمه میان این دو اشاره کرده و نظام اسلامی را به گونه‌ای تعریف کرده است که در راستای ظلم نکردن و مورد ظلم واقع نشدن قرار دارد. بر اساس آموزه‌های اسلام عزتمندی در سایه دور ماندن از ظلم کردن و ظلم شدن معنا شده است:

دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید نه زیر بار ظلم بروید. انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن از ظلم کمتر نیست. انظلام به خود ظلم کردن است. به یک ملت ظلم کردن است، ظلم هم از همین قماش است. هر دوییش در اسلام ممنوع است. نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید، نه حق دارید از کسی ظلم بکشید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱/۲۵۶-۲۵۵)

همچنین ضمن تبیین این قاعده کلی، مصادیقی را در حوزه سیاست بر این قاعده مبتنی کرده و بر موارد گوناگونی به وسیله این قاعده استدلال کرده‌اند.

با توجه به این عرایض می‌توان گفت که تربیت سیاسی با روحیه پرورش دفاع از مظلوم نه تنها برای جامعه خود، بلکه برای دفاع از همه ممالک مسلمین، بلکه در صورت نیاز حتی برای حمایت از کفار ستمدیده نیز لازم و ضروری می‌باشد. بنابراین توصیه ما به والدین این است که برای نهادینه کردن این مهم از هیچ تلاشی دریغ نکنند، تا افراد مفید پیشکش ملت‌های ستمدیده و مظلوم بکنند، تا در این دنیا و آن دنیا مورد سرافراز و باعث افتخار آنها باشند.

۲.۵. راهکار مبارزه با ظالمان

اندیشمندان دینی جهت دستیابی به این هدف متعالی، راهکارهایی را مدنظر قرار داده اند که از آن جمله می‌توان به کمک به بیداری و هوشیاری ملت‌ها جهت خروج از تحت سلطه ستمگران و اتحاد همه مسلمانان و مظلومین جهان جهت مبارزه فراگیر با ستمگران جهانی اشاره کرد. (امام خمینی، ۱۴۱۰: ۱۷/۴۳۴)

۵.۳. تکوهش یاری ظالم

یاری کردن مظلوم در صورت توانایی واجب است. اگر در سکوت علمای دین و رؤسای مذهب، تقویت ظالم و تأیید او باشد - و العیاذ باللّه - سکوت کردن بر آنان حرام است و بر آن‌ها واجب است اظهار کنند ولو اینکه در رفع ظلم او مؤثر نباشد.

در احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام بر این مطلب اشاره شده است:

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَا أَحِبُّ أَنْتَى عَقَدْتُ لَهُمْ عُقْدَةً أَوْ وَكَيْتُ لَهُمْ وَكَاءً، وَإِنْ لِي مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا لَا، وَلَا مَدَّةً بِقَلَمٍ إِنْ أَعْوَانَ الظَّلْمَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

من دوست ندارم گره‌ای برای آنان بزنم یا بند و نخ‌ی برای آنها ببندم، در حالی که در مقابل آن شهر میان دو لابه (زمینی که دارای سنگ سیاه می‌باشد) از آن من باشد، و نه قلمی در مرکب بزنم، یاران ظلمه در روز قیامت در خیمه‌ای از آتش هستند تا خداوند متعال از حساب فارغ شود. (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۰۷/۵)

حاصل این روایت این است که امام می‌فرماید: حتی به اندازه گره زدن به نخ یا اندازه ذره‌ای مایل نیستم به آنها کمک کنم، در حالی که آنچه ما بین دو لابه است از ملک و مال، در عوض این کار از آن من باشد. یعنی این مقدار یاری کردن را هم دوست ندارم.

یاری کردن ستمگر در سمتشان با حکم ادله اربعه حرام است و از گناهان کبیره می‌باشد. نظیر روایت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌فرماید: «مَنْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ لِيَعِينَهُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِسْلَامِ». (شعیری، بی تا: ۱۵۵)

کسی که به سوی ستمگری قدمی بردارد تا او را یاری کند در حالی که می‌داند ستمگر است، از دین اسلام خارج است.

بنابر این والدین مؤظف هستند تا در تربیت سیاسی و روحیه یاری رساندن مظلوم و برائت جستن و بیزاری از مستکبر، محتاط باشند، تا با توجه به آن فرزندان خویش را با محور دفاع





و یاری رساندن به مظلوم تربیت نمایند، چون زمانی که فرزند با این محور رشد کرده باشد، هیچ‌گاه در جامعه در برابر ظلم سکوت نخواهد کرد.

این اصلی است که قرآن بر آن تأکید کرده و سیره انبیاء و معصومین نیز بنا بر همین اصل می‌باشد؛ پس اگر فرزند از کودکی با این تفکر قرآنی رشد کند، می‌تواند هم در اجتماع و هم در سیاست جامعه نقش مهمی را ایفا کند. در نتیجه تربیت سیاسی با روحیه ظلم ستیزی امر مهم و واجبی است که باید والدین آن را در نظر داشته باشند.

۶. الگوگیری والدین از برخورد سیاسی ائمه با مستضعفان و مظلومان

به سخن دیگر آموزه‌های اسلامی تأکید بر آن دارد تا به ندای هر مظلوم و مستضعفی در هر جای عالم پاسخ مثبت داده و به حمایت آنان بپردازند. چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام در آخرین وصیت خویش به فرزندان در هنگام شهادت می‌فرماید: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید». (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

همان طور که از این عبارت امام علی علیه السلام مشخص می‌شود در این حدیث مطلق، ظالم و مظلوم مورد نظر بوده و اشاره‌ای به دین و مذهب و نژاد و رنگ آنان نکرده است، لذا فرقی نمی‌کند که از یک شخص مسلمانی که مورد ستم قرار گرفته دفاع کنیم یا فرد مسلمان نباشد، هم مذهب با ما باشد یا خیر، سفید پوست باشد یا سیاه پوست، هم نژاد من باشد یا خیر.

این موارد هیچ فرقی با ندارند و فرد مسلمان با در هر صورت در مقابل ظلم به یاری رساندن به مظلوم بشتابد، و را تا جایی که در توان دارد یاری کند.

و نیز دخت پیامبر مکرم اسلام حضرت فاطمه علیها السلام بعد از وفات پدر بزرگوارشان، زمانیکه دشمنان حضرت علی علیه السلام با یک برنامه‌ریزی حساب شده از قبل حق خلافت را از آن حضرت

گرفته و صاحب حق را از حقش جدا کردند، متقابلاً حضرت زهرا^{علیها السلام} با تمام توانی که داشت وارد میدان سیاست شده و از هر راه و طریقی که میتوانست، علیه حکومت غاصب قیام کرد. ایشان نه تنها حضرت علی^{علیه السلام} بلکه با فرزندان حضرت امام حسن و امام حسین^{علیهم السلام} تا چهل روز پس از رحلت حضرت رسول^{صلی الله علیه و آله} به در خانه‌های مهاجرین و انصار می‌رفتند تا آنان را در غصب خلافت، توسط حکوکت وقت هشدار دهد. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۱ / ۶۰۰؛ معتزلی، ۱۴۰۴: ۶ / ۱۳-۱۲)

پس از برخورد ائمه معصومین^{علیهم السلام} این گونه می‌توان نتیجه گرفت که والدین باید با الگوگیری از نصایح و رفتار ائمه^{علیهم السلام} فرزندان خود را طوری پرورش دهند که در مقابله با ظلم و دفاع از حق از هر روشی که در توان دارند استفاده کنند، زیرا فردی که می‌تواند در جامعه حضور داشته و مدافع حقوق خود و افراد جامعه باشد، ارزش اجتماعی بسیاری نسبت به افرادی دارد که از چنین توانایی برخوردار نیستند، همانا برای پیشرفت یک جامعه به افراد شجاع، توانمند، مدافع مظلومان و... نیاز می‌باشد.

نتیجه:

۱. تربیت سیاسی یکی از مهم‌ترین انواع تربیت می‌باشد که والدین باید در امر تربیت به آن توجه جدی داشته باشند.
۲. با ادله فقهی ثابت شد که والدین در قبال تربیت سیاسی فرزند خویش مسئول‌اند و تربیت باید طبق فرموده‌های آیات و روایات صورت بگیرد.
۳. اگر والدین در امر تربیت فرزند کوتاهی کنند، در عواقب آن در دنیا و آخرت با فرزند خویش شریک‌اند و همچنین برعکس آن.
۴. والدین باید پرورش روحیه دفاع از مظلوم را از دوران کودکی به فرزندان خود تقویت کنند، زیرا بهترین دوران یادگیری سنین کودکی می‌باشد.



۵. برای ریشه‌کن شدن یا حداقل کاهش ظلم و استبداد در جامعه، والدین باید فرزندان شجاع، صالح، ظلم‌ستیز و استکبار‌ستیز، یار مظلومان و مسئولیت‌پذیر تربیت و تقدیم جامعه کنند.

۶. خدا محوری و انسان دوستی، و انسان دوستی از بهترین روش‌های تربیت سیاسی می‌باشد، که باید تربیت به مبنای این روش‌ها صورت پذیرد، تا نتایج والایی در پی داشته باشد.

منابع و مآخذ:

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۵۸)، معجم المقاییس اللغة، قم: دارالفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵)، لبنان: دار بیروت.
۳. اشعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الاخبار، نجف: مطبعة حیدریه.
۴. ابطحی اصفهانی، سید محمد باقر (۱۴۰۵)، عوالم العلوم والمعارف، قم: مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه.
۵. تبریزی، جواد (۱۴۱۷)، اسس الحدود و التعزیرات، قم: مطبعة مهر.
۶. خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰)، الرسائل، تهران: اسماعیلیان.
۷. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، ناشر: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی عجل الله تعالی فرجه.
۸. داوودی، محمد و مهدی فاضلی دهکردی (۱۳۹۴)، «بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن کریم با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی»، دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، س ۱، ش ۲.

۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶)، المفردات فی غریب القرآن، قم: دار القلم.
۱۱. شاطری، روح الله (۱۳۹۲)، مسئولیت اخلاقی حکومت دینی، قم: پژوهشگاه و فرهنگ اسلامی.
۱۲. شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف اسلامی.
۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۸)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ناشر: رضی.
۱۴. شیخ مفید، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام فی شرح مقنعه، مترجم: خراسان حسن باجمعی همکاران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. عیسی نیا، رضا (۱۳۷۸)، تربیت سیاسی در اندیشه امام خمینی علیه السلام، فصلنامه راه تربیت، س ۲، ش ۵.
۱۶. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، قم: بوستان کتاب.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱)، اصول کافی، ناشر: بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۸. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۴۲)، شرح الاصول و الروضة، ناشر: المكتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، ناشر: مؤسسة الوفاء.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵)، میزان الحکمه، مترجم: حمید رضا شیخی، قم: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.



۲۱. معتزلی، ابن ابی الحدید(۱۴۰۴)، شرح نہج البلاغہ، ناشر: مکتبۃ آیۃ اللہ العظمی المرعشی النجفی العامۃ.

۲۲. نجفی، محمد حسن(۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، مترجم: عباس قوچانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.